

شیوه نامه پژوهش با محوریت مقاله

حسین زحمتکش زنجانی

سخن نخست

این نکته بر کسی پوشیده نیست که آموزش، جز از رهگذر پژوهش، سامان نمییابد. بر این اساس، ضرورت انسجام در فعالیتهای تحقیقاتی و استانداردسازی نحوه پژوهش، بیش از پیش آشکار میگردد. معاونت پژوهش حوزه علمیه استان تهران، به عنوان متولی امر پژوهش در حوزه علمیه، وظیفه آموزش روش تحقیق و نیز پرورش طلاب پژوهشگر را بر عهده دارد. این مهم، سبب گردید که در سال 1391، شیوهنامه‌های را بر پایه مقاله، منتشر نماید. در سال بعد هم ویرایش دوم اثر مذکور را با برخی تغییرات و اصلاحات، روانه بازار نشر کرد که بسیار مورد استقبال اهالی تحقیق و طلاب نو قلم قرار گرفت. نگارش شیوهنامه پیشرو نیز که اساساً اثری متمایز از شیوهنامه قبلی محسوب میگردد، در همین راستا شکل گرفته است. نوشتار حاضر، تقریری نو از شیوه پژوهش، با محوریت مقاله است که به بررسی چیستی و ضرورت تحقیق، نحوه نگارش مقاله و همچنین شاخصسازی مفاهیم بنیادین پژوهش میپردازد. در پایان، بر خود لازم میدانم از معاون محترم پژوهش حوزه علمیه استان تهران، حجتالاسلام والمسلمین جعفر سماوات و نیز آقایان سیدعلی شمسی و محمد ایرانشاهی که از هیچ مساعدتی برای سامان یافتن و انتشار اثر پیشرو دریغ نکردند، تقدیر و تشکر نمایم.

حسین زحمتکش زنجانی تهران. اردیبهشت 1393

مقدمه

ضرورت تحقیق، امری مسلم و انکارناپذیر در حوزههای علمیه است که اهمیت آن با توجه به حجم گسترده تحقیقات دانشبنیان و یافتههای پژوهشی نوپدید از مرزهای ناهمگون با بوم علمی و فرهنگی ما، بیش از پیش نمایان میگردد. البته تصاعد فکری جوامع و مکاتب علمی در هر جغرافیایی که صورت گیرد و موجب تحول جامعه انسانی و پیشرفت آن گردد، همواره مورد ستایش است. علم و فناوری از ملزومات تمدن بشری است و هیچ جامعه پیشرفتهای را نمیتوان یافت، مگر آنکه تجلی دانش و روزآمدی فرآوردههای علمی را بهخصوص در حوزه علوم انسانی و فرآیند تغییر نگرش و رفتار دانشمحرور در آن شاهد باشیم. بر این اساس، لازم است نهایت اهتمام و بذل توجه به تولید علم و عرضه پژوهشهای خودبنیاد، مهمترین دغدغه حوزه های علمیه باشد.

پژوهش چیست؟

الف) معنای لغوی

واژه فارسی پژوهش، اسم مصدر «پژوهیدن» و در لغت، به معنای «جستجو، پیجویی، جوایی و بازجستن» است (رک.به: لغتنامه دهخدا: ذیل مدخل پژوهش). پژوهش معمولاً با عبارت عربی «تحقیق» معادل گرفته میشود.

تحقیق از ریشه «حَق» بوده و بر فرآیند کشف حقیقت، وقوف یافتن بر کنه امر و تطبیق دادن آن با واقعیت اطلاق میگردد. برخی واژگان دیگر نیز از قبیل «کاوش»، «فحص»، «تفحص»، «استفسار» و «تفقه» با پژوهش مترادف هستند.

ب) تعریف اصطلاحی

برای پژوهش، تاکنون تعاریف بسیاری ارائه شده است که هر کدام با رویکردی خاص بدان مینگرد. در ذیل، جهت آشنایی با مدل مفهومی چنین تعاریفی، به چند تعریف مشهور از پژوهش که عمدتاً از سوی اهالی تحقیق تدوین شده است، اشاره میکنیم:

1. کوششی روشمند برای پاسخگویی به مسائل علمی است که منجر به نوآوری و پیشرفت علم میشود؛
2. فرآیندی است برنامهریزی شده، هوشیارانه، نظاممند و قابل اعتماد برای یافتن حقایق یا فهم عمیق مسائل؛
3. پردازش روشمند اطلاعات در حوزه‌های خاص که به نوآوری میانجامد؛
4. مواجهه حقیقتجویانه با واقعیتهای طبیعی و قراردادی است؛
5. فعالیتی منظم و مدون که به کشف و گسترش دانش و حقیقت میانجامد (تعریف آلفرد کرلینجر)؛
6. فرآیند پردازش اطلاعات، برخوردار از انتظام، متعلق به گستره خاصی از علوم و دارای هویت جمعی است که به نوآوری میانجامد (تعریف احد قراملکی).

از مجموع تعاریف فوق، میتوان دریافت که دایره تحقیق، بسیار محدود است و اینطور نیست که هر کنشی را بتوان «پژوهش» قلمداد کرد. بر این اساس، امور زیر، هرچند نوعی فعالیت علمی محسوب میشوند و در ضرورت و ارزش آنها هیچ تردیدی روا نیست، اما به هر صورت، پژوهش نیستند:

1. تألیف: جمعآوری مطالب، به صرف تناسب و رابطهای که میان آنها برقرار است؛
2. ترجمه: برگرداندن يك متن علمی از زبانی به زبان دیگر؛
3. تفسیر: تبیین مراد نویسنده یا گوینده در يك اثر علمی؛ اعم از کتاب، مقاله، یادداشت و سخنرانی؛
4. شرح: ارائه توضیحات بیشتر در رابطه با اثر و برطرف نمودن ابهامات موجود در آن؛
5. آزمایش: بررسی و سنجش يك متغیر در شرایط مختلف؛

6. تصحیح و احیای نسخ: آمادهسازی کتب خطی یا چاپ سنگی برای تبدیل آن به نسخه چاپی که معمولاً با مقابله نسخ موجود، نگارش مقدمه تفصیلی، شرح عبارات دشوار و گاهی نیز توضیح مفاهیم کتاب همراه است. به تفاوت احیای نسخ و تصحیح متون دقت شود. در حقیقت، احیاء، مقدمه تصحیح است که شامل مواردی؛ از قبیل شناسایی، مرمت، مقایسه و... میگردد.

تقسیم بندی انواع پژوهش

اساساً هر پژوهشی مبتنی بر شناخت است که در «معرفتشناسی» (اپیستمولوژی) بدان پرداخته میشود. شناخت دارای انواع مختلفی است که هر کدام، قلمرویی خاص را دربرمیگیرد. کسب معرفت به اشیاء، پدیدهها و حقایق جهان هستی، به یکی از طرق حسی، علمی، عقلی، فلسفی و شهودی امکانپذیر است. قضاوت در این مورد که دادههای معرفتی را با چه روشی باید شناخت، بر عهده کارشناسان و خبرگان هر یک از طرق مذکور است. هر طریقی بهمثابه ظرفی میماند که تنها مظلوف خود را میطلبد و این توقع که با هر روشی بتوان به حقیقت امری دست یافت، توقعی نامعقول است. در این راستا باید به این نکته توجه داشت که پژوهش، فرآورده شناخت است و بر این مبنا، اقسام ذیل را بر اساس هدف، نحوه تجزیه و تحلیل دادهها، روش گردآوری اطلاعات و نیز شیوه ارائه گزارش و قالب اثر شامل میگردد:

الف) بر اساس هدف

1. بنیادی: بررسی و آزمون نظریهها، تبیین روابط و پدیدهها، نظریپردازی و تولید دانش؛
2. کاربردی: کاربردی کردن علم در زندگی و استفاده عملی از آن؛
3. توسعهای: هدف از تحقیقات توسعهای، تشخیص این مطلب است که دانش تا چه اندازه برای اغراضی خاص و یا تهیه و تدوین طرحها و برنامههای توسعهمحور مناسب دارد.

ب) بر اساس نحوه تجزیه و تحلیل داده ها

1. توصیفی: توصیف امور، شرایط، پدیدهها و اشیاء، به منظور شناخت بیشتر و دقیقتر آنها؛
2. علی - مقایسه‌ای: مطالعه و شناسایی معلول یا متغیر وابسته، به منظور کشف علل احتمالی یا متغیر مستقل؛
3. همبستگی: مطالعه و کشف روابط موجود میان متغیرها؛
4. پیمایشی: مطالعه ماهیت یا ویژگیهای امور، شرایط، پدیدهها و اشیاء، یافتن روابط موجود میان آنها، شناخت وضعیت کنونی و سنجش آراء و انظار مختلف پیرامون آنها؛
5. موردپژوهی: مطالعه کلگرایانه یک مورد یا واحد خاص در چارچوبی محدود و با حد و مرزی مشخص؛
6. اقدامپژوهی: تحقیق در عملیات یا اقدامی خاص به منظور تشخیص موقعیتی معین، شناسایی مشکلات موجود، یافتن راه حل و برطرف نمودن نقایص؛
7. تحلیل محتوا: تحلیل گفتار یا متن در مقولات رسانهای (اعم از روزنامه، مجله، فایل صوتی و...)، متون علمی، سخنان عامیانه و نیز تحلیلهای کمی و ریاضی؛
8. تاریخی: مطالعه، تبیین و تحلیل وقایع تاریخی؛
9. تجربی: تحقیق آزمایشگاهی در دانشهای تجربی؛

10. نیمه تجربی: سنجش متغیرها در تحقیقات اجتماعی؛

11. قومنگاری: پژوهشهای انسانشناسی و مردمشناسی.

ج) بر اساس روش گردآوری اطلاعات

1. کتابخانه‌های: بهره‌گیری از داده‌های کیفی، تتبع در آراء و نظرات مختلف و نیز پژوهش در اسناد و منابع موجود در فضای محدود کتابخانه؛

2. میدانی: بهره‌گیری از داده‌های کمی و کاوش پدیده‌های خارجی و نمونه‌های عینی در محیط بیرون که عموماً با تکنیک‌هایی؛ چون مشاهده، استقراء و نیز تهیه پرسشنامه، مصاحبه، تست و... همراه است.

لازم به توضیح است که هرچند روشهای کتابخانه‌ای و میدانی، در مراحل گزارش يك پژوهش و ارائه اثر تحقیقی، مشترکاتی با یکدیگر دارند، اما تفاوت‌های مبنایی بسیاری را میتوان میان آنها مشاهده نمود. با این حال، به جهت عمومیت و فراگیری روش کتابخانه‌ای در علوم اسلامی و حوزوی، آنچه در اینجا مورد بحث قرار میگیرد، عمدتاً ناظر بر روش مذکور است.

د) بر اساس شیوه ارائه گزارش و قالب اثر

هر پژوهشی بر اساس نحوه ارائه گزارش علمی و نوع قالب اثر، از اقسام مختلفی برخوردار میگردد. بر این اساس، يك محقق میتواند اثر پژوهشی خود را در قالب کتاب، پایاننامه، مقاله، یادداشت، سخنرانی و تدریس ارائه کند. البته اینطور نیست که پژوهشگر، همواره در گزینش هر يك از قالبهای فوق، حق انتخاب داشته باشد؛ چرا که گاه، ظرفیت و جایگاه تحقیق، این حق را از محقق سلب کرده و قالب اثر را بر وی تحمیل میکند؛ مثلاً طلبه یا دانشجو، جهت اخذ مدرک تحصیلی خود در مقاطع تکمیلی، بهناچار باید اثر علمی خود را در قالب پایاننامه یا رساله عرضه نماید. همچنین گاه پیش میآید که موضوع تحقیق، آنقدر فراخ نیست که بتوان آن را در قالب کتاب ارائه کرد. در این صورت، پژوهشگر مجبور است گزارش تحقیقی خویش را به عنوان مقاله، در یکی از مجلات معتبر علمی منتشر کند.

بنا بر آنچه گفته شد، قالب اثر با توجه به نوع فعالیت علمی محقق، رفتار شخصی وی در مواجهه با پژوهش، ظرفیت موضوع، حجم اثر، محل عرضه و نظایر آنها، متفاوت میگردد. مسئله دیگر آنکه هر تحقیقی ممکن است در چند قالب علمی، گزارش شود؛ مانند انتشار پایاننامه در قالب کتاب و یا استخراج چندین مقاله علمی - پژوهشی از آن. به علاوه، اهتمام به این نکته، ضروری است که هر يك از موارد مذکور (غیر از پایاننامه) میتواند در فضای حقیقی یا مجازی ارائه گردد. البته طبیعی است که گزارش علمی و ارائه اثر در پیشخوان رسانهای و منتشر نمودن آن در محیطهای آکادمیک؛ به دلیل عبور از بستر نقد و ارزیابی علمی، از اعتبار افزونتری نسبت به عرضه آن در رسانه مجازی برخوردار است.

هرچند تمامی قالبهای مذکور، از اهمیتی بنیادین در سیر مطالعات و پژوهشهای علمی برخوردار است؛ اما با این حال، مقاله به جهت روزآمدی، انتشار سریع و دوره‌های، اختصار، گذر از صافی ارزیابی دقیق و استانداردپذیری بیشتر، از جایگاه فراتری نسبت به سایر قالبها برخوردار است. بر این اساس، ما در اینجا به دلیل جایگاه و اهمیت مقاله در محافل علمی، تنها متعرض این قالب پژوهشی میشویم. البته بیشك نگارش پایاننامه نیز که در پایان سطح چهار و مقطع دکترا، از آن تحت عنوان رساله یاد میشود، از مسائل مبتلابه در حوزه‌های علمیه و دانشگاههاست. با این حال، بیان اصول و قواعد پایاننامهنویسی را به فرصتی دیگر محول میکنیم.

مهارت‌های روزمره پژوهش

مواردی که معمولاً از آنها با عنوان مهارت‌های روزمره پژوهش یاد میشود، عبارتند از: مطالعه، گوش کردن، دیدن، پرسیدن، مشورت کردن، بحث کردن، مطالبه دلیل، به چالش کشیدن و نقد کردن، سازمان دادن، تلخیص نمودن، انتخاب کردن و اظهار نظر. رعایت دقیق این مهارتها معمولاً در روزمرگیهای حیات علمی پژوهشگر، کارآیی بسیار داشته و او را در انجام يك تحقیق موفق یاری میرساند. شاید در ابتدای امر، یادگیری و طی مراحل آن، تنها راه استفاده از مهارت‌های مذکور باشد؛ اما به مرور زمان و با ملکه شدن آنها، محقق در این زمینه، با چالشی جدی مواجه نشده و در موقع لزوم، هر کدام را که بدان احساس نیاز کند، در ناخودآگاه خویش مییابد. بر این اساس، میتوان گفت پژوهشگر همواره در حال تحقیق است.

مراحل پژوهش و تهیه يك اثر علمی

برای تهیه يك اثر علمی، ضروری است مراحل زیر را به ترتیب و با دقت، طی نمود تا بتوان اثری قابل قبول و پژوهشمحور را عرضه کرد:

1. طرح: انتخاب و تبیین موضوع، بررسی ضرورت بحث از موضوع، شاکله‌بندی بحث، مشخص نمودن روش تحقیق؛

2. اجراء: بررسی پیشینه تحقیق، شناسایی منابع اصلی، مطالعه منابع و فیشبرداری از آنها، تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده، مرتبسازی و ساماندهی دادههای علمی؛

3. گزارش: نگارش اثر، متناسب با روش و ساختار استاندارد.

ارائه طرح تحقیق

لازم است محقق در آغاز کار، طرح جامع و مشخصی را از برنامه تحقیقی خود در قالب «طرح تحقیق» که بدان «پروپوزال» و «پیشنهاد» نیز گفته میشود، به نگارش درآورد. طرح تحقیق در حقیقت، نقشه راه پژوهشگر در طی مراحل تحقیق است که به این موارد میپردازد: 1- عنوان، 2- بیان مسئله، 3- ضرورت و اهمیت موضوع، 4- سؤال اصلی، 5- سؤالات فرعی، 6- پیشفرضها، 7- فرضیهها، 8- پیشینه تحقیق، 9- جنبه‌های جدید پژوهش حاضر، 10- تعریف و شاخصسازی مفاهیم، 11- روش پژوهش (نوع پژوهش و روش گردآوری دادهها و نیز شیوه تجزیه و تحلیل آنها)، 12- قلمرو پژوهش، 13- سازماندهی اولیه، 14- فهرست منابع محوری.

انواع مقالات علمی

1. پژوهشی: مبتنی بر کار اصیل پژوهشگر و برخاسته از تحقیقی نوین در مسائل علمی است که متگی بر یافتهها و دستاوردهای دیگران نبوده و خود به تنهایی، به نوآوری و تولید دانش میانجامد؛

2. تحلیلی: در این نوع مقالات که به مقالات نظری نیز مشهورند، محقق با بررسی دقیق پیشینه تحقیق و با بهره‌گیری از منابع اصیل و معتبر پژوهش، نظریه خاصی را در حوزه مورد مطالعه خود عرضه میکند. این نحوه اظهار نظر میتواند از سنخ توسعه و تأیید نظریات پیشین با استناد به شواهدی نویافته، تحلیل و تبیین آنها به گونهای دیگر، تردید در آنها و نیز نقد آنها با ارائه استدلالهای محکم علمی باشد؛

3. مروری: نگرش انتقادی به مطالعات و تحقیقات پیشین و تحلیل دقیق آنها به منظور روشن شدن روند پیشرفت علمی در مسئله‌های خاص که معمولاً از طریق ارزشیابی آثار مورد مطالعه و نیز دستهبندی و یکسانسازی مطالب با هدفی مشخص، انجام میشود؛

4. گردآوری: در این نوع از مقالات، صرفاً به گردآوری مطالب و بیان نظرات دیگران و در نهایت، جمع‌بندی آنها پرداخته میشود؛

5. دایره‌المعارفی: ارائه اطلاعات مقدماتی در مورد موضوعات مختلف، با نگاهی کلنگر و بیطرف که از نظر شکل و ماهیت، با موارد پیشگفته متفاوت است. به هر مقاله دایره‌المعارفی، به اعتبار ملاحظه آن در دایره‌المعارف، «مدخل» گفته میشود که حجم آن از چند سطر تا چندین صفحه، متغیر است. اینگونه مقالات، تنها به واگویی مجموع نظرات پرداخته و هرچند ممکن است گاه به دیدگاه جدیدی در موضوع مورد مطالعه برسند، اما عمدتاً یافته‌نویسی را عرضه نمیکنند.

لازم به توضیح است که یکی از وجوه اعتبار مقالات، منتشر نمودن آنها در مجلات معتبر علمی است که محقق باید پس از شناسایی چنین مجلاتی، مقاله خود را جهت انتشار، برای آنها ارسال کند. مجلات علمی بر حسب اعتبار و به ترتیب اولویت علمی، به اقسام زیر تقسیم میگردند:

1. علمی- پژوهشی: به انتشار مقالاتی میپردازد که بدیع و اصیل بوده و غایت آنها، تولید و پیشرفت علم و ارائه راهحل برای مشکلات علمی جامعه میباشد؛

2. علمی- ترویجی: به ترویج یکی از رشته‌های علوم میپردازد و هدف آن، تنها آگاهی‌بخشی دانش‌پژهان و افزایش سطح معلومات آنها در منظومه علمی مورد مطالعه میباشد؛

3. علمی- تخصصی: به صورت تخصصی، به تحلیل و تبیین رشته یا موضوعی خاص میپردازد و بر خلاف مجلات پیشگفته، فاقد رتبه علمی است؛

4. علمی- اطلاع‌رسانی: هدف آن، تنها اطلاع‌رسانی در زمینه‌های مختلف علمی است.

فرآیند مقاله تحقیقی

در روند تحقیقات علمی، باید به جریان نگارش مقاله، به عنوان يك فرآیند پیشرونده نگریست. آنچه در این امر مهم است، لزوم پیشروی تدریجی، مطابق با استانداردهای علمی و همراه با صبر و طمأنینه است. فرآیند ارائه يك مقاله پژوهشی را میتوان در مراحل زیر تعریف نمود:

1. پرسش منتقدانه؛

2. ارائه راهحل موقت برای پرسش تحقیق در قالب فرضیه؛

3. جستجو برای یافتن منابع مورد نیاز؛

4. مشخص کردن روش تحقیق و ابزار گردآوری داده‌ها؛

5. مطالعه منابع و برداشت اطلاعات لازم از آنها؛

6. بررسی میزان ارتباط یافته‌ها با سؤالات و فرضیات پژوهش؛

7. بیان محدودیت‌های پژوهش و ارائه پیشنهاد در مورد جنبه‌های نامعلوم تحقیق.

فرضیه

فرضیه، پاسخ اولیه و اجمالی به مسئله پژوهش است. فرضیه‌ها عبارت‌اند از: پاسخهای فرضی به سؤالات تحقیق که به شکل گزاره و از طریق حدس منطقی، پیش از اجرای طرح، توسط محقق ارائه می‌گردند. البته هیچ فرضیه‌ای از پیش اثبات شده نیست، بلکه ممکن است در طول تحقیق، تأیید و یا رد شود. تعداد فرضیه‌ها به تعداد پرسشهای تحقیق؛ اعم از اصلی و فرعی بستگی دارد. بر این اساس، فرضیه اصلی، به سؤال اصلی که مسئله پژوهش را تشکیل داده و شاکله پژوهش بر آن استوار است، پاسخ می‌دهد و فرضیات فرعی نیز بالتبع عهده‌دار پاسخگویی به سؤالات فرعی می‌باشند.

کارکرد فرضیه

نقش فرضیه در فرآیند پژوهش و به سرانجام رسیدن آن، نقشی بنیادین و غیر قابل انکار است. فرضیه، اساساً مبین علت غائی تحقیق است و بدون آن، هیچ پژوهشی به ثمر نمی‌نشیند. کارکردهای فرضیه را میتوان در موارد ذیل احصاء نمود:

1. به روند مطالعه منابع جهت می‌دهد و با تعیین چارچوب مطالعه و ارائه برنامه‌های منظم در این مسیر، از صرف بیهوده وقت و تحمل برخی هزینه‌های گزاف جلوگیری مینماید؛

2. شاخصهای مسئله پژوهش را تعیین کرده و به محقق در جمع‌آوری اطلاعات یاری میرساند؛

3. پژوهشگر به کمک فرضیه، به تبیین و تفسیر جامع اطلاعات پرداخته و در پرتو آن، به ارائه دستاوردی نوین در اثر پژوهشی خود و نهایتاً تولید علم، دست می‌یازد.

نظریه

نظریه، بنا به تعریف مشهور، فرضیه‌های ساده درباره امور و پدیده‌هایی است که مشاهده آنها بهسادگی میسر نیست. بنابراین هر نظریه‌ای در ابتدا، فرضیه بوده است که پس از اثبات و به این اعتبار، بدان نظریه گویند. نظریه، در مفهوم کلی، گزاره‌ای است که مطابق با قواعد علمی و بر اساس داده‌هایی مشهود، تدوین شده و کامل گردیده است. در واقع، تمام تلاش و همت محقق در فرآیند پژوهش، بر آن است که فرضیه و پاسخ اجمالی به مسئله تحقیق خود را به نظریه تبدیل کرده و آن را اثباتپذیر کند.

پیش فرض

پیشفرضها، گزاره‌های مورد قبول و وفاق جامعه علمی هستند که هیچ پژوهشگری برای انجام تحقیق، از آنها بنبیاز نیست. محقق باید پیش از آغاز پژوهش، پیشفرضهای تحقیق خویش را مشخص کند و دقت داشته باشد که در طول گزارش علمی خود، از آنها تعدی ننماید. بعضی از پیشفرضها در همه علوم مشترک‌اند و هیچ کس در هیچ رشته‌ای

نمی‌تواند از آنها تجاوز کند و برخی دیگر، محدود به قلمروی واحدند و فقط در آن قلمرو، مورد استفاده قرار می‌گیرند. توجه به این نکته ضروری است که هر امری را نمیتوان به عنوان پیشفرض پذیرفت؛ مثلاً چنانچه در بررسی تطبیقی تفکرات دو اندیشمند در مسئله‌های خاص، این پیشفرض را برگزینیم که «هر دو متفکرند»، به خطا رفته‌ایم؛ چراکه اساساً چنین گزاره‌های به کار تحقیق ما نمی‌آید. بنابراین از پیشفرضهای دور و ناکارآمد، باید اجتناب کرد.

مسئله

هر پژوهشی لزوماً بر اساس يك مسئله، شکل می‌گیرد. وظیفه پژوهشگر، آن است که تحقیق خود را به گونه‌های سامان دهد که مسئله و دغدغهای را حل نموده و بدان پاسخ دهد. مسئله پژوهشی باید مجهول و جزئی بوده و پرداختن به آن، مشکلی را برطرف نماید. همچنین پرداختن به مسئله‌های که بدیع، معین و متناسب با علایق، استعدادها، تواناییها و امکانات پژوهشگر نباشد، عملاً یا بیفایده بوده و یا به سرانجام نخواهد رسید. از سوی دیگر، محقق باید تلاش کند که مسئله‌های را برای تحقیق خود برگزیند که دارای اولویت پژوهشی باشد و پردازش آن، وی را از کاوش در مسائل مهمتر و کارآمدتر بازدارد. بنابراین مسئله باید به نحو اجمال، دارای خصوصیات زیر باشد تا بتواند دغدغهای پژوهشی را فرا روی محقق قرار داده و دستاوردی علمی را عرضه نماید:

1. نو و بدیع باشد؛

2. معین و مشخص باشد؛

3. دارای اهمیت و اولویت پژوهشی باشد؛

4. متناسب با توانایی پژوهشگر باشد؛

5. مورد علاقه پژوهشگر باشد؛

6. با امکانات و شرایط موجود تناسب داشته باشد.

هر پژوهشگری برای انتخاب مسئله، نخست باید با مشکلی مواجه شود؛ سپس به طرح سؤال در مورد آن پرداخته و آن را به مسئله تبدیل کند. پس آنگاه، مسئله خود را صورتبندی کرده و تلاش نماید اجمالاً بدان پاسخ گوید. در اینجا فرضیه شکل می‌گیرد که نقشه راه را در اختیار محقق قرار میدهد. واپسین مرحله، کوشش روشمند و نظامیافته برای اثبات مدعاست که اکنون به آن فرضیه می‌گویند. تمامی مراتب مندرج در فرآیند پژوهش، بر این اساس استوار است که فرضیه به نظریه تبدیل شده و دعوی پژوهشگر که از ابتدا در پی اثبات آن بود، با استنادات و دلایل متقن علمی، ثابت گردد.

مهمترین منابع و ارجاعات ذهنی را در امر مسئله‌یابی، میتوان در تجارب زندگی شخصی و حیات اجتماعی خود یافت که حضور فعال در دوره‌های متوالی تحصیلی و نیز شرکت در نهادها، گروه‌ها و جمعیتها را شامل می‌گردد. رجوع به متون علمی، ارتباط پیوسته با مراکز علمی و تحقیقاتی و همچنین بهره‌گیری از مشورت اساتید و پژوهشگران، از دیگر اموری است که فرد را در کشف مسائل علمی یاری میرساند. در عین حال، تدابیری؛ همچون: غفلت نورزیدن از آموزش، تحصیل روشمند و منسجم دانش، ممارست علمی و تربیت ذهن برای مشاهده مسئله، پرهیز از سطحینگری و خلاقیت در مواجهه با امور و پدیده‌های پیرامون و تعمق در آنها، فرآیند پیدایش مسئله را برای ما، نزدیکتر و ملموستر مینماید.

تفاوت مسئله با سؤال

1. سؤال بر اثر جهل و ندانستن ایجاد میشود؛ حال آنکه مسئله، به واسطه جمعآوری تمام اطلاعات موجود در یک زمینه شکل میگیرد؛

2. از طریق مراجعه به افراد یا منابع مختلف میتوان پاسخ سؤال را پیدا کرد، در حالی که چنین تلاشی برای پاسخگویی به مسئله سودی ندارد و تنها با تحقیق میتوان بدان پاسخ گفت؛

3. سؤال، مجهولی است که فرد اکنون به پاسخ آن دسترسی ندارد، اما میتواند با برطرف کردن موانع موجود، پاسخ آن را دریابد؛ مانند آنکه از کسی پرسد یا در کتابی بخواند و یا آن را به طور میدانی مشاهده کند. در مقابل، مسئله، مجهولی است که به دلیل آنکه جامعه علمی تا به حال بدان نپرداخته و یا راهحلی موجه برای آن ارائه نکرده است، پاسخ آن چون معمایی بدون جواب بوده و تنها خود محقق می تواند آن را حل کند.

در مورد مسئله میتوان کشف «قانون جاذبه» را توسط نیوتون مثال زد که با مشاهده افتادن سیب از درخت، این مسئله و دغدغه برای وی ایجاد شد که چرا وقتی سیب از درخت جدا میشود، به سمت بالا نمیروند؟ او پاسخ به این پرسش را از هیچ منبعی نمیتوانست پیدا کند؛ از این رو خودش برای حل آن تلاش کرد. اکتشافات و اختراعات اندیشمندان، عمدتاً اینگونه شکل گرفته است. در اینجا تحقیق و پژوهش معنا پیدا میکند. امروزه که ما پاسخ این پرسش را میدانیم، دیگر برای ما مسئله نیست.

در این باب، به مثالهای دیگری نیز میتوان در حوزه علوم انسانی و به خصوص تأملات فلسفی و کلامی اشاره کرد؛ از جمله این سؤال که آیا واقعاً معاد جسمانی، باورپذیر است یا نه؟ این پرسش، زمانی به مسئله تبدیل شد که تمام ذهن ملاصدرا را فراگرفت و او را وادار به یافتن پاسخی مستدل به آن کرد؛ کاری که پیشینیان از عهده آن برنیامدند. بنابراین شرط اصلی در شکلگیری یک تحقیق، طرح مسئله است؛ چرا که با طرح سؤال نمیتوان تحقیقی را آغاز نمود. نکته دیگر آنکه پاسخگویی به سؤال با آموزش انجام میشود، ولی پاسخگویی به مسئله با پژوهش. شرط مسئله، نو بودن موضوع آن است. بنابراین ویژگی اصلی تحقیق، نوآوری است. بر این اساس، پژوهش به فعالیتی اطلاق میشود که در جریان آن، امر مجهولی که تا به حال از سوی هیچ فرد یا گروهی، پاسخی موجه بدان داده نشده است، معلوم میگردد.

تفاوت مسئله با موضوع

در این بحث، موضوع را میتوان به دو معنای عام و خاص تفسیر کرد. چنانچه منظور ما از موضوع، موضوع تحقیق باشد، تفاوتی میان آن و مسئله نیست؛ این، معنای عام موضوع است که نه تنها در مقابل مسئله نیست، بلکه با آن نیز همپوشانی دارد. موضوع در معنای خاص خود، در مقابل مسئله قرار میگیرد. بر این مبنا میتوان کنشهای علمی را به دو قسم مسئلهمحور و موضوعمحور تقسیم کرد. مهمترین وجه تفاوت مسئله و موضوع را باید در کلیت و عدم کلیت آن جستجو کرد. اثر موضوعمحور، کلی بوده و پردازش مطالب در آن، استطرادی است؛ یعنی از هر بابی به ایراد سخن میپردازد؛ گستره موضوع، آنچنان وسیع است که در پرتو آن نمیتوان به مسئلههای واحد دست یافت. هر موضوعی عمدتاً دربردارنده مسائل متعددی است و خود بهتنهایی میتواند مسامحتاً، موضوع چندین اثر پژوهشی را تأمین نماید. این در حالی است که اثر مسئلهمحور، جزئی و محدود بوده و فقط معطوف به یک مسئله است. به عنوان مثال، ارائه اثر تحقیقی در باب «برهان نظم» و با همین نام، به دلیل موضوعمحور بودن آن، عملاً به سرانجام نرسیده و هیچ یافتهای را عرضه نخواهد کرد. این موضوع در بطن خود، چندین مسئله را دربردارد که هر کدام، نیازمند پژوهشی مستقل است. حال اگر پژوهشگر، مثلاً به بررسی «میزان وجاهت برهان نظم برای اثبات وجود خداوند از دیدگاه خواجه طوسی» بپردازد، مقاله وی مسئله محور خواهد بود.

مسئله، بر خلاف مشکل که دارای مفهومی کلی و مبهم است و نمیتوان حدود آن را مشخص کرد، امری جزئی و متعین می‌باشد و بر همین اساس است که قابلیت تحقیق پیدا میکند. در واقع، مشکل تا زمانی که به مسئله تبدیل نشده و قلمرو آن تعیین نگردد، نمیتواند موضوع پژوهش باشد. در اینجا آنچه مهم است، یافتن مسئله از میان انبوه مشکلهاست. مشاهده مشکل برای همگان امکانپذیر است و این کار، به تخصص و ابزارهای نیاز ندارد. اما این، تنها ظاهر امر است. برای آنکه بتوان از فحوای مشکل، مسئلههای پژوهشی را بیرون کشید، باید در آن، تعمق کرد و از ظاهر، فراتر رفت. جهت رسیدن به این هدف، ضروری است که به صورتبندی دقیق مسئله و تحلیل علمی آن پرداخت.

ساختار مقاله

یک مقاله علمی برای آنکه از حد نصاب انتشار برخوردار گردد، باید تمامی قواعد و اصول پژوهش و نگارش را رعایت نموده و همچنین دارای ساختاری منسجم و استاندارد باشد. در مباحث پیشگفته، برخی از مهمترین موازین پژوهش بیان گردید. مبحث اصول نگارش نیز خود، مقولههای جداست که فرصتی دیگر را میطلبد. بنابراین ما در اینجا تنها به بیان ساختار مقالات علمی پرداخته و ارکان عمده آن را برمی‌شماریم. حجم مقاله، معمولاً بین 3500 تا 9000 کلمه در نظر گرفته میشود که بنا به شرایط و ضوابط مجلات، متفاوت میگردد. البته ممکن است برخی مجلات، حجمی بیش از این را به عنوان حداکثر کلمات، برای نشریه خود در نظر بگیرند. رعایت چنین استانداردی، مطابق با عرف غالب همایشها، کنگرها و جشنوارههای معتبر علمی، چندان الزامآور نیست.

یک مقاله استاندارد، غیر از ترجمه انگلیسی (و گاه عربی) عنوان، کلیدواژگان و چکیده که ضروری مقالات پژوهشی است، دربردارنده هشت رکن است که به ترتیب، عبارتاند از: 1- عنوان، 2- چکیده، 3- کلیدواژگان، 4- مقدمه، 5- متن اصلی، 6- نتیجهگیری، 7- پینوشت، 8- کتابنامه. البته نویسنده، برخی موارد دیگر را نیز میتواند به اختیار خود، در مقاله بگنجانند؛ نظیر پیشنهادها، تقدیر و تشکر و ذکر برخی منابع برای مطالعه بیشتر. در ادامه، توضیح مختصری درباره هر یک از ارکان هشتمگانه مذکور بیان میگردد:

1. عنوان

عنوان باید کوتاه، گویا، واضح و برخوردار از جامعیت و مانعیت بوده و ناظر بر محتوای مقاله باشد. توجه به این مسئله برای پژوهشگران، ضروری است که تعداد کلمات عنوان از 12 کلمه، بیشتر نبوده و حتیالمقدور، برخی از واژگان کلیدی را نیز دربرداشته باشد. عنوان در حقیقت، بهمثابه تابلوی مقاله محسوب میگردد و چنانچه عبارات آن، به دقت انتخاب شود، میتواند جستجوی مقاله را در بانکهای اطلاعاتی، آسانتر نماید. نکته دیگر آنکه جذابیت عنوان هرچند بیفایده نیست، اما نباید از کارآمدی الفاظ به کار رفته در عنوان غافل شد و به جذابیت آن اکتفاء کرد. در ضمن، استفاده از عباراتی؛ چون «مقدمهای بر...»، «درآمدی بر...»، «بررسی و تحلیلی از...»، «تحقیقی در مورد...» و نظایر آنها، هیچ ثمرهای را دربرنداشته و تنها موجب افزایش حجم عنوان میگردد. با این حال، نباید از این مسئله غفلت ورزید که چنانچه محتوای مقاله، اقتضای به کار بردن برخی از عبارات مذکور را دارد، ضروری است در عنوان، از آنها بهره برد؛ مثلاً اگر رویکرد مقالهای، مطالعه تطبیقی است، باید عنوان آن را چنین آغاز نمود: «بررسی تطبیقی...» و یا اگر مقالهای به بررسی و نقد مسئلههای میپردازد، عنوان آن میتواند با واژگان «بررسی و نقد...» شروع شود. بهعلاوه، تقدیم و تأخر کلمات نیز در عنوان باید رعایت شود؛ همچنانکه «بررسی» بر «نقد» مقدم است و نمیتوان گفت: «نقد و بررسی...»

2. چکیده

چکیده، متنی کوتاه بین 100 تا 250 کلمه (بنا به حجم مقاله) است که نویسنده باید در آن، به بیان مختصر مسئله پرداخته؛ روش تحقیق خود را مشخص کرده و اشارهای کوتاه به دستاوردهای مقاله داشته باشد. چکیده در واقع، نمایی کلی از محتوای مقاله را به صورت مختصر ارائه داده و میتواند مخاطب را به مطالعه اثر ترغیب نماید. ضروری است چکیده پس از انجام تحقیق، توسط پژوهشگر نگاشته شده و با زبانی روان و سلیس و به نحو موجز، دقیق و گزارشگونه، بیان گردد. در چکیده باید از هرگونه ارزشیابی و نقد و همچنین نقلقول، پرهیز کرد.

3. کلیدواژگان

انتخاب دقیق واژگان محوری پژوهش که واژگان اصلی و کانونی مقاله را بین 3 تا 7 واژه (و گاه تا 10 واژه، بنا به سلیقه مجلات) دربرمیگیرد، ضرورتی انکارناپذیر در تحقیقات علمی است که موجب بازیابی بیشتر مقاله در موتورهای جستجو و بانکهای اطلاعاتی و در نتیجه، استناددهی بیشتر به آن میگردد. کلیدواژگان، ترکیبی از عبارات عام و خاص هستند که بیشترین ارتباط مفهومی را با محتوای مقاله داشته و آن را در چند کلمه معرفی مینمایند.

4. مقدمه

آنچه ضروری است در مقدمه مقاله بیان گردد، عیناً دربردارنده همان مواردی است که در بخش کلیات پایاننامه، بدان پرداخته میشود. مقدمه، مدخل ورود به بحث اصلی است و چنانچه جذابیت لازم را برای مخاطب ایجاد نکند، در عمل، کارایی خود را که آمادهدسازی ذهن مخاطب و ترغیب وی برای مطالعه مقاله است، از دست میدهد. پژوهشگر باید در مقدمه، به تبیین دقیق و جامع مسئله پرداخته؛ ضرورت تحقیق و پیشینه آن را بهخوبی تبیین نموده و نیز فرضیهها و سؤالات پژوهش را بهدقت، مورد بررسی قرار دهد. حاشیهردازی، استفاده از جملات کلی و کلیشهای، اظهار فضل، اغراق در بیان اهمیت مقاله و تحقیر پژوهشهایی که پیش از این در موضوع مقاله انجام شده است، از آسیبهای مقدمه میباشد که باید از آنها پرهیز کرد.

لازم به توضیح است که پیشینه تحقیق با منابع تحقیق، متفاوت است. پیشینه، عبارت از مرور آثار پژوهشی و تبیین مبانی نظری در باب موضوع مقاله است که پیش از این، توسط دیگران ارائه شده است. نویسنده در ضمن نگارش پیشینه تحقیق، باید با رعایت ادب و تواضع، به کاستیها و نقاط ضعف تحقیقات پیشین اشاره نموده و جنبههای جدید پژوهش خودش را بیان کند. منابع نیز مستندات اصلی مقاله را دربرمیگیرند؛ مستنداتی که تحقیق بر پایه آنها، مبنامحور شده و یافتههای آن، اثباتپذیر میگردد. اصل در منابع تحقیق، آن است که اصیل و معتبر باشند. اصالت منابع، به دستاورد بودن اثر و اعتبار آنها، به مقبولیت در جامعه علمی؛ از نظر اعتبار نویسنده، کیفیت محتوایی اثر و نحوه انتشار آن در بازار نشر باز میگردد.

5. متن اصلی

ورود به اصل بحث و پرداختن به مسئله تحقیق، به نحو دقیق، جامع، مستدل و مفصل، در این بخش صورت میگیرد. تبیین بحث به شکل منطقی و منسجم، تجزیه و تحلیل علمی، ارائه استدلالها و اثبات فرضیهها و عرضه دستاوردها و یافتههای تحقیق، محتوای متن اصلی مقاله را شکل داده و پژوهش را کامل میکند. رعایت تعادل در ارائه بحث و پرهیز از اطناب و موجزگویی، از جمله مواردی است که رعایت آن در طول نگارش مقاله، ضروری است. افراط و حاشیهروی در بحث، موجب خستگی مخاطب شده و مطالعه مقاله را برای او کسالتبار میکند. همچنین تفریط در بیان مطالب و کمگویی، فهم نوشتار را برای وی دشوار ساخته و ثمرهای جز ابهام متن ندارد.

نکته مهم در اینجا، نحوه ارجاعدهی به منابع و مستندات مقاله است که عموماً به شکل ارجاع درونمتنی، صورت

میبذیرد. امروزه دیگر شیوه ارجاع برونمتنی و آوردن ارجاعات در انتهای صفحه یا پایان مقاله، تقریباً مرسوم نیست. در روش ارجاع درونمتنی، نام نویسنده، سال انتشار، شماره جلد و شماره صفحه، بلافاصله پس از نقلقول، داخل پرانتز آورده میشود. برای استناددهی به آیات قرآن کریم نیز کافی است نام سوره و شماره آیه را بلافاصله پس از ذکر آیه، داخل پرانتز آورد. کارکرد اصلی این نوع ارجاع، مواجهه مستقیم مخاطب با منابع اصلی تحقیق است که او را به تأمل در محتوا و نحوه پیوند مستند با متن وامیدارد.

البته لازم است به این نکته دقت داشت که استفاده از منابع و نقل اقوال دیگران، نباید به افراط کشیده شود؛ طوری که فرصت عبارتپردازی و تحلیل علمی را از نویسنده بگیرد. تفصیل در نقلقول، شایسته یک اثر تحقیقی نیست و تنها ثمرهاش، افزایش حجم مقاله است. ضمن آنکه بسیاری از اقوال را میتوان به شکل نقلقول غیرمستقیم و به صورت خلاصه عرضه کرد و به بررسی و نقد آنها پرداخت. این کار، میزان فهم پژوهشگر را از متن مرجع و تسلط وی را بر موضوع، نشان میدهد. نکتهای که دانستن آن در مورد ترجمه متون، ضرورت دارد، آن است که محقق، خود باید به ترجمه اقوال غیرفارسی پردازد و ماحصل ترجمه خویش را در مقاله (به شکل نقلقول مستقیم یا غیرمستقیم)، بیان کند و در صورتی که از ترجمه دیگران استفاده نموده است، به آن استناد دهد.

6. نتیجه گیری

گزار نیست اگر بگوئیم نتیجهگیری، مهمترین بخش يك مقاله پژوهشی است. این بخش، به بیان دستاوردها و یافتههای نوین تحقیق اختصاص دارد. در اینجا به پرسشهایی که در مقدمه آمده است، به شکلی مستدل و منطقی، پاسخ داده میشود. در نتیجهگیری، نیازی به ارجاع دادن و ذکر ادله، شواهد و اسناد نیست و تنها نوآوریهای مقاله به نحو موجز و صریح بیان میگردد. توجه به این نکته، ضروری است که آنچه در این بخش، تحت عنوان نتایج پژوهش، آورده میشود، باید در راستای مباحث مطرحشده در متن اصلی مقاله باشد و نویسنده نمیتواند بهناگهان، از یافتههای خود عدول کرده و در نتیجهگیری، به دستاوردهای دیگری اشاره کند.

7. پی نوشت

توضیحات تکمیلی، اصطلاحات، معادل واژگان در سایر زبانها و هر آنچه جزء متن اصلی تحقیق، محسوب نشده، اما اشاره به آن، به فهم مطلب یاری میرساند، در انتهای مقاله، تحت عنوان پینوشت، بیان میگردد. البته برخی مجلات ممکن است به جای پینوشت، از پانوشت استفاده کنند که بر طبق آن، موارد اضافه بر متن، در انتهای هر صفحه آورده میشوند. کارکرد عمده پینوشت یا پانوشت، حفظ انسجام متن است. بر این اساس، بهتر است متن عربی آیات و روایات و نیز اقوال اندیشمندان را چنانچه ضرورتی برای نقل آنها احساس میشود، در پینوشت آورد و به ترجمه فارسی آنها در متن اصلی مقاله اکتفاء کرد؛ مگر آنکه متن عربی، خود محل بحث باشد که در این صورت، نیازی به آوردن ترجمه نیست.

8. کتابنامه

در کتابنامه، فهرستی دقیق از منابع استفادهشده در روند نگارش مقاله، به ترتیب حروف الفبای نام خانوادگی یا نام مشهور نویسندگان و تفکیک زبان (منابع فارسی و عربی در يك فهرست و منابع سایر زبانها در فهرستهای دیگر)، به شکل زیر درج میشود:

الف) کتاب: نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده. (تاریخ انتشار)، نام کتاب، نام مترجم یا مصحح، محل نشر: نام ناشر.

ب) مقاله: نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده. (تاریخ انتشار)، «عنوان مقاله»، نام نشریه، شماره نشریه، شماره صفحات مندرج.

رعایت اخلاق پژوهشی

لزوم رعایت اخلاق پژوهشی در تحقیقات علمی، ما را بر آن داشت تا در بخشی جداگانه که حسنختم شیوهنامه پیشروست، به این بحث پردازیم. یک محقق، قبل از هر کنشی، باید همواره خود را وامدار تأملات و مطالعات عمیق دیگر پژوهشگران که بر او سبقت و تقدّم علمی دارند، بداند. بر این اساس، هرگز نباید تحقیقات آنها را کوچک شمرده و گرفتار غرور کاذب شود. در این مسیر، ضروری است سعی وی بیشتر بر این مبنا باشد که به دور از هرگونه غرضورزی، پیشداوری و جانبداری و به شکلی منطقی و منسجم، چیزی را بر دانش بیفزاید و به فرآیند تولید علم یاری رساند. بنابراین اولین قدم در تحقق یک پژوهش موفق، تواضع علمی است.

محقق باید در نقل اقوال و افکار دیگران، نهایت امانت و انصاف را رعایت نموده و خود را در برابر جامعه علمی، مسئول بداند. متأسفانه سرقت علمی، آفت پرشیوعی است که امروزه به دلیل گسترش دامنه رسانیهای و امکان بازیابی آثار و نگاشتههای سایرین در بانکهای اطلاعاتی، گریبانگیر برخی اهالی قلم، بهویژه نوقلمان گردیده است. نکته آخر آنکه ادبیات نگارش، لزوماً باید به پاکی و صداقت بگراید و به تعابیر نازیبا، استهزاء، تحقیر، توهین، نسبت ناروا و تملق آلوده نگردد.